

وقایع افغانستان از 2001 تا 2014 میلادی

(بخش 32)

ارباب نوکر را افشا میکند

یکی از نشریه های ارتش انگلستان افشا نمود که " پاکستان بطور غیر مستقیم تروریسم را حمایت کرده است. " و بی بی سی از نشریه مذکور نقل قول نموده گفت که " پاکستان بطور غیر مستقیم از طریق آی اس آی، تروریسم و افراطیت را در لندن، یعنی بم گذاری ها در شبکه ی ترانسپورت لندن یا افغانستان یا عراق پشتیبانی مینموده است ... بریتانیا باید مشرف را وادار به استعفا نماید تا انتخابات آزاد را بپذیرد، اردو را از عرصه ی ملکی بیرون ببرد و سرویس استخبارات آی اس آی را منحل سازد" (104)

گفته شد که گزارش مذکور توسط یک مامور ارشد نظامی بریتانیا که با استخبارات خارجی آن کشور پیوند نزدیک دارد، بحیث قسمتی از ماموریت حقیقت یابی در پاکستان در ماه جون نوشته شده است .

تذکر این نکته را نیز ضروری میدانم که " نواز شریف " سابق صدراعظم پاکستان و رهبر حزب مسلم لیگ طی یک مصاحبه تلویزیونی با برنامه تلویزیون " دنیا " با صراحت اعلام نمود که " پاکستان باید از مداخلات خود در امور افغانستان خود داری کند... پاکستان این تصور را که میتواند بر افغانستان کنترل داشته باشد، باید متوقف کند... سیاست های گذشته کشورش در این زمینه با شکست مواجه شد." (105) وی این اظهارات را در حالی بعمل آورد که خودش در سالهای قبل تا توانست بصورت شیدانه یی از طریق " تنظیم " های اسلامی – جهادی افغانستان و شبکه استخبارات نظامی آن کشور، در امور حیات ملی افغانها دست

درازی بیشترمانه نمود. درعین حال، نوازشریف درهمان شب و روزی این حقایق تلخ را اظهار نمود که هنوزکرسی زعامت پاکستان را احرازنکرده بود.

ریچارد هولبروک نماینده خاص کاخ سفید درامورافغانستان و پاکستان که بروفق وظیفه یی که داشت، بررسی های عمیق ودقیقی پیرامون ارتباطات مقام های نظامی پاکستان با تروریسم انجام داده بود، قبل ازمرگ ناگهانی اش با صراحت گفته بود که " شبکه ی حقانی وابسته به القاعده، ازمخفیگاه های امن خود درپاکستان، پیوسته حملاتی را علیه نیرو های انتلاف و امریکایی درافغانستان انجام میدهد ". هولبروک معتقد شده بود که دستگاه اطلاعاتی پاکستان با شورای کویت و جناح حقانی دروزیرستان جنوبی ارتباط نزدیک دارد. حتا آقای "کامرون" وزیرامورخارجة انگلستان، علی رغم آنکه حکومت متبوعش ازسالها بدینسو روابط بسیارحسنة و همکاریهای همه جانبه مخفی وعلنی با حکومت پاکستان دارد، طی سفری به هندوستان اظهارداشت که " ما به هیچ وجه نمیتوانیم این موضوع را تحمل کنیم که پاکستان دو رو به نظر برسد و بتواند به صدور تروریسم چه به هند یا افغانستان یا نقاط دیگر جهان کمک کند. "

تنی چند ازطالبان دستگیر شده درکابل، با خبرنگار شبکه بی بی سی گفت و گویی داشته و چنین اظهارنمودند : " ... توسط نفرات طالبان در خاک پاکستان آموزش عملیات انتحاری دیده بودند، درحالیکه ماموران اداره اطلاعات ارتش پاکستان براین آموزش نظارت داشتند. . پس از گذراندن یک دوره آموزشی پانزده روزه ، همراه با دو نفر دیگر دراتومبیلی راهی افغانستان شدند، درحالیکه ماموران پلیس {پاکستان} جرأت نداشتند این اتومبیل را که به وضوح به آی. اس. آی تعلق داشت متوقف و بازرسی کنند و به ما گفته شد که جلیقه انتحاری را بعداً دریافت خواهیم کرد..." (106)

کارلوتاگال " خبرنگارمشهورنیویارک تایمزکه مدت دوازده سال میان افغانستان و پاکستان دررفت و آمد بوده وگزارش تهیه نموده است، طی یکی ازنوشته های تحقیقاتی اش مینویسد : " ... دردسامبر2006، من به کویت پرواز و با چند تن از خبرنگاران پاکستانی و یک عکاس دیدارکردم. ما باهم، خانواده هایی را دیدیم که با اندوه انتحار فرزندان شان در افغانستان دست و پنجه

نرم میکردند... همه از ترسِ اعضای آی. اس. آی، سازمانِ اصلیِ اطلاعاتیِ پاکستان، نمیتوانستند بگویند که چگونه فرزندانِ شان کشته شدند و کی آنها را به خدمت گرفته بود؟ "

" کارلوتاگال " درجای دیگری از نوشته اش، آنگاه که میخواهد به یکی از مدارسِ مذهبی اسرارآمیزِ پاکستان سری بزند، چنین میگوید : " در داخل، ورودی کوچک و درهم برهم یکی از این مدارس به نام جامعه اسلامی، ساختمان سه طبقه خشت و کانکریتی حیاط را احاطه کرده است و صنف های درس آن، گنجایش دوصد و هشتاد دانش آموز را دارد. دست کم سه نفر از بمب گذارانِ انتحاری را که ما رده یابی کرده بودیم در اینجا دانش آموز بودند و از احتمالِ شمار دیگر نیز گزارش شده بود. چهره های ارشدِ احزابِ مذهبی پاکستان و مقام های ایالتی از بازدید کننده گانِ مکرر این مدرسه بودند و اعضای طالبان اغلب تحت پوششِ تاریکی در کاروانِ موتر های سیف به اینجا می آمدند..."

"مایک مولن" رییس ستاد مشترک ارتش امریکا، در اوایلِ ماه آگست 2011م ضمن یک مسافرت به افغانستان و پاکستان، اظهار نمود که: " مناطق مرزی افغانستان و پاکستان هنوز هم خطرناکترین منطقه دنیا و کانونِ تروریسم است. . . با وجود مرگ اسامه بن لادن رهبر پیشینِ گروه القاعده، اعضای این گروه در حال نقشه کشی برای عملیات در بیرون از منطقه هستند. " این جنرال امریکایی علاوه نمود که : " عدم مبارزه پاکستانی ها علیه تروریست هایی مانند گروه شورشی موسوم به شبکه حقانی، میتواند بر بهبود روابط میان واشنگتن و اسلام آباد اثر بگذارد."

روزنامه " گلوب ان میل " چاپ کانادا نیز بتاريخ دوم ماه آگست 2008م از قولِ "شری رحمن " یکی از وزرای پاکستانی نوشت که : " شاید هنوز اجنت هایی در آی. اس. آی وجود داشته باشند که تعلقاتی به طالبان دارند. آنها شاید اقداماتِ خودسرانه مطابق به میل خود شان و مغایرِ منافع وپالیسی های حکومت پاکستان انجام میدهند..."

"گلوب ان میل " همچنان نوشت که : " آقای ستیفن کپس " معاون مدیرسی. آی. آی در ماه جولای 2008م سفری به پاکستان داشت و اسنادِ مؤثق را با خود حمل میکرد که نقشِ آی. اس. آی یاسازمانِ اطلاعاتِ نظامی پاکستان در حمایت از طالبان را به اثبات میرساند. بویژه، وی برای اشفاق کیانی فرمانده نیروهای مشترکِ آن کشور ثابت نمود که آی. اس. آی همکاری با گروه تروریستی ملاحقانی را ادامه

میدهد... ملاحقانی همچنان به انتقام گیری، غارت و ویرانگری اش در داخل افغانستان ادامه میدهد، برای حکومت پاکستان ممکن نیست حمایتش از او را دریغ نماید."

د رگزارش منتشره در روزنامه " گلوب ان میل " آمده بود که : " آی.اس.آی طی سه دهه اخیر، گروه های بنیاد گرای اسلامی را در خارج و داخل کشور در راه انجام دادن کار های ناروا، بخصوص علیه افغانستان و هند بسیار استعمال نموده است ."

چنانکه در قبال چنین اعتراض های جانب امریکا بود که مقام های پاکستانی، به تعداد یکصد تن از مربیان نظامی امریکا را از خاک آن کشور اخراج نمود و از صدور ویزه برای یکتعداد از کارمندان (سی.آی.ای) اجتناب نمودند. پس از این واکنش پاکستانیها، کاخ سفید اعلام نمود که از پرداخت وجه هشتصد ملیون دالر که بخشی از مساعدتهای مالی امریکا برای پاکستان میباشد، خود داری نموده است. بالمقابل، وزارت امور خارجه پاکستان اعلام نمود که در نظر دارد استفاده عملیاتی نیروهای امریکایی از میدان هوایی "شمسی" در بلوچستان را به حال تعلیق قرار دهند. (بازیهای غیرریشه یی که هرازگاهی میان ارباب و نوکر صورت گرفته و میگیرد!)

نقش رژیم وهابی عربستان سعودی در فعالیتهای تروریستی

این، تنها نبود، آنطور که قبلاً نیز گفته شد، مقام های انگلیسی و امریکایی اطلاعات دقیق دارند که رژیم شاهی عربستان سعودی نیز در فعالیتهای تروریست پروری و حمایت های مالی و لوژستیکی از طالبان و القاعده با پاکستان مرتبط است.

"ابوزبیده" یکی از فعالین القاعده که نزد امریکایی ها اسیر بود، افشا نمود که " وقتی اسامه بن لادن در سال 1998م جبهه اسلامی بین المللی جهاد را علیه یهودیان ایجاد کرد، رییس سرویس اطلاعات عربستان سعودی (شهزاد ترکی الفیصل) با طالبان و اسامه بن لادن به توافق رسیدند که عربستان سعودی به آنها اطمینان میدهد که کمک های مالی و اقتصادی بیشتری به طالبان خواهد داد و در پی

تحويل بن لادن نباشد، به شرط آنکه همواره القاعده به قول خود در مورد هدايت و رهبري تروريسم، خارج از مرز های عربستان سعودي عمل کند. "

اسناد و گزارش های منابع تحقيقاتی افشا نمودند که همین ترکی الفیصل، در سال 1983م در همسویی و همکاری نزدیک با آی.اس.آی پاکستان و منظوری و همکاری سی.آی.ای، پروژه انتقال تروريستهای خارجی به خاک افغانستان را رویدست گرفت. " ابوزبيده" عنصر مهم در حادثه یازدهم سپتمبر در نیویارک، در جریان تحقيقات خویش گفت: " بن لادن شخصاً به او گفت که در سال 1991م در یک ملاقات با جنرال ترکی وزیر استخبارات سعودي به این موافقت رسیدند که او (جنرال ترکی الفیصل) بن لادن را اجازه میدهد که از عربستان خارج شود به شرط اینکه بن لادن به تحریک جهاد علیه سلطنت سعودي نپردازد و تا زمانیکه بن لادن علیه سلطنت سعودي دست به تحریکات نزند، ترکی الفیصل از لحاظ مالی وی را مساعدت کرده و خواستار باز گشتاندنش به عربستان نخواهد شد. "

وی گفته است: " ملاقات دیگری که او {ابوزبيده} حاضر بود در سال 1996م به اشتراک مشغف علی میر جنرال قوای هوایی پاکستان و بن لادن در پاکستان صورت گرفت، جانبین به موافقه رسیدند که القاعده رابطه نزدیک با آی.اس. آی برقرار کند تا از یکطرف اسلحه و تجهیزات حاصل کند و از جانب دیگر از حمایه آی.اس.آی بر خوردار شود. "

"ابوزبيده" همچنان اظهار داشته است که: " در سومین ملاقاتیکه در سال 1998م در داخل افغانستان توسط عربستان سعودي به اشتراک ترکی الفیصل، نماینده آی.اس. آی، بن لادن و هیأت طالبان ترتیب یافته بود، ترکی الفیصل وعده داد که مقدار زیاد کُمهای مالی به طالبان خواهد فرستاد. " و بالاخره، " ابوزبيده"، این همکاری نزدیک بن لادن گفته است که: " حادثه یازدهم

سپتمبر، هیچگونه تغییری در منافع ازدواج مخفی تروريسم، سعودي و پاکستان وارد نخواهد کرد... "

داکتر " لوران گینو " طی یک اثر تحقیقی خویش بنام " مستنداتی درباره طراحان و عاملان واقعی انفجار مرکز تجارت جهانی " چنین مینویسد : " حلقه درونی حاکمیت عربستان یا اصطلاحاً (دیپ ستیت) حتماً در تأمین مالی تروریست های مذهبی نقش دارد "

همچنان وبسایت مشهور " ویکیکس " بر بنیاد اسناد دست داشته نوشت که : " منابع دولتی و غیر دولتی مدعی هستند که روحانیون فرقه های دیوبندی و اهل الحدیث پاکستان، سالانه حدود 100 میلیون دلار از سازمان های " خیریه اسلامی " و " تبلیغی " عربستان و امارات که به شکل آشکاری مورد حمایت دولت این کشورها هستند، کمک مالی دریافت میکنند... شبکه های جهادی، از فقر شدید در مناطق مختلف پنجاب، مولتان و ... برای جذب کودکان به شبکه مدارس فرقه های دیوبندی و اهل الحدیث بهره می برند. کودکان در این مدارس فلسفه جهاد را تعلیم می گیرند و نهایتاً به اردوگاه های آموزشی تروریستی در مناطق قبیله ای که به شکل فدرالی اداره میگردند، فرستاده میشوند. "

فعالیت های خرابکارانه رژیم وهابی عربستان سعودی چنان گسترش یافته است که حتا مقام های عراقی، بخصوص پس از خروج سربازان امریکایی از آن کشور، چندین بار بگونه رسمی علیه دست اندازی های منابع استخباراتی عربستان سعودی و صدور تروریسم بداخل خاک عراق یاد کرده اند. ارسال تروریستها و تشدید فعالیت های تروریستی در خاک عراق از سوی رژیم وهابی سعودی، علاوه از ملحوظات سیاسی - مذهبی، این هم میتواند باشد که چون " المالکی " رهبر عراق در آن زمان، شیعه مذهب بوده و مورد توجه و حمایت جمهوری اسلامی ایران قرار داشت، بنابراین، رژیم سعودی میخواست در رقابت و مخالفت جدی با جمهوری اسلامی ایران، اوضاع سیاسی، نظامی و اجتماعی عراق را بی ثبات نگهدارد، ولو به کشتار هزاران انسان بیگناه آن کشور هم منجر گردد.

خبرگزاری " نهرین " در عراق، در ماه جولای 2012 میلادی از قول روزنامه " واشنگتن پُست " اطلاع داد که " بندرین سلطان " رییس جدید سرویس استخباراتی سعودی، ضمن دیدار با شاه عربستان اظهار داشته است که " القاعده را در عراق، لبنان و سوریه فعال میسازد ". معنای چنین سخنان این میتواند باشد که جلو سازمان تروریستی " القاعده " بگونه بی

بدست رهبران رژیم سلطنتی عربستان سعودی، بخصوص در اختیار سازمان جاسوسی آن کشور (المخابرات العامه) بوده و این سازمان تروریستی (القاعده)، در طول سالها از آن جا تمویل و تغذیه شده است. البته مخالفت مقام های سعودی و کاخ سفید با " اسامه بن لادن " رهبر این سازمان و بالاخره قتل آن، برای آن بود که او (اسامه) بخاطر حضور نیروهای امریکایی در خاک عربستان سعودی در آستانه جنگ خلیج، با آل سعود از در مخالفت پیش آمد و مصمم شد منافع ایالات متحده امریکا را در گوشه های مختلف جهان ضربه زند.

نفوذ و دست بازیهای ایدئولوژیک رژیم عربستان سعودی در همینجا پایان نمی یابد. این دست بازیهها و دخالتها، در سالهای اخیر حتا اشکال اقدامات نظامی آشکار را نیز بخود گرفته است. مثلاً، به سلسله خیزشهای مردمی در خاورمیانه (تونس، مصر، لیبیا و سوریه)، مردم بحرین در خلیج فارس نیز علیه استبداد، بی عدالتی و خود کامه گیهای رژیم بر سر اقتدار، دست به اعتراضات سیاسی و خیابانی زدند. مقام های بحرین با بیرحمی تمام به دستگیری و سرکوب معترضان پرداخت و مادامکه از سرکوب کامل جنبش اعتراضی عاجز آمدند، رژیم وهابی عربستان سعودی به حمایت رژیم ارتجاعی بحرین پرداخته و نیروی نظامی و وسایط پیشرفته جنگی به آن کشور فرستاد و در یمن نیز که در همسایه گی عربستان سعودی قرار دارد، چنان بیرحمانه عمل کرد که با همکاری کشورهایمانند مصر، اردن، ترکیه، سودان، پاکستان و غیره، بگونه بلا وقفه خاک یمن را به بهانه سرکوبی " حوثی " های اهل تشیع، از هوا مورد بمباران شدید قرار داد و موجب قتل و کشتار هزاران انسان بیگناه آنجا شد. (حمایت های آشکار رژیم وهابی عربستان سعودی در سوریه، درجایش به بحث گرفته خواهد شد)

روزنامه " ایندپندنت " در ماه اپریل 2015م نوشت که : " سعودی ها اکنون سیاست سنتی خود را مبنی بر پیگیری سیاست های به شدت احتیاط آمیز به کنار گذاشته اند و با بکار گیری ثروت های هنگفت خود و بکار گیری نیرو های وابسته به خود و همچنین استفاده از روابط نزدیک شان با امریکا، در صدد تقویت نفوذ خود هستند...."

و اما، ضرب المثلی است که میگوید " وقتی بچه فیل را در اتاقی نگه میداری، هوشیار باید بود که بالاخره بچه بزرگ میشود و اتاق را که دیگر گنجایش پیکر او را ندارد، ویران خواهد کرد."

در عربستان سعودی نیز همانند پاکستان، تروریست های دست پرورده رژیم، در سال 2009 میلادی، سو قصد انتحاری علیه شهزاده بن نایف، معاون وزیر کشور انجام دادند و در ماه جولای 2011م، مقام های عربستان سعودی، محاکمه شانزده تن از اعضای شبکه القاعده را به اطلاع مطبوعات رسا نیدند. ضمناً باید گفت که مقام های مذکور، برای نخستین بار اعتراف کردند که گروه تروریستی دستگیر شده قصد حمله به سفارتخانه های کشورهای خارجی را داشتند. مقام های مذکور همچنان اعتراف نمودند که آنده از اعضای القاعده که تحت محاکمه قرار گرفته اند، در نظر داشتند رژیم سلطنتی را سرنگون نمایند. قبل از آن نیز تعدادی از افراد متمرّد القاعده به اتهام توطئه یا قتل شهروندان آن کشور دستگیر و زندانی شده بودند. این مخالفتها، دستگیریها و اعتراضات سیاسی در داخل قلمرو سعودی، به نحوی ریشه در عصیانهای قبلی دارد. مثلاً، در روز سه شنبه بیستم ماه نوامبر 1978 میلادی بود که گروهی از افراد مسلح ضد رژیم سلطنتی عربستان سعودی به رهبری شخصی بنام عبدالله القحطانی یا (جهیم القطیبی) محوطه حرم در شهر مکه را به همکاری 400 تا 500 نفر زن و مرد مسلح اشغال نموده و این محل مقدس مسلمانان جهان را چندین روز در اشغال خویش گرفتند تا آنکه بالاخره، همه افراد مسلح کشته و یا دستگیر شدند. عبدالله القحطانی عضو قبیله مشهور و با نفوذ " القطیبی " یا (العنّیبی) واقع در نزدیکی های نجد بود که از سوی پیروانش بعنوان مهدی موعود پذیرفته شده بود، آل سعود را مفسد و منحرف و غیر قابل اطاعت می دانست و مصمم بود چنین رژیم فاسد را سرنگون کند. این مخالفتها علیه رژیم سلطنتی سعودی، نه تنها از سوی القاعده و گروه های مذهبی - سیاسی به نمایش گذاشته شده است، بلکه حتا از سوی زنان، جوانان، فقرا، اقلیت های مذهبی و اربابان اندیشه و تفکر سیاسی نیز به اشکال و مواقع مختلف تاکنون صورت گرفته و همین حالا، حیثیت آتش زیر خاکستر را ماند.

بدنخواهد بود قبل از آنکه از این بخش بگذریم، بُریده هایی از یک مقاله تحلیلی " افشین شاهی " استاد روابط بین الملل و مطالعات خاور میانه در دانشگاه برفورد بریتانیا را در اینجا نقل کنیم که در صفحه وبسایت بی بی سی ماه اپریل 2015م به نشر رسید: " ... از سال 1973 که بحران نفت، اقتصاد سراسر جهان را تحت تأثیر خود قرار داد و قیمت نفت افزایش یافت، عربستان سعودی همیشه بعنوان یک کشور نیرومند، ثروتمند، مرفه و با ثبات تلقی شده است، اما این تصویر، منعکس کننده همه واقعیت های موجود نیست... عربستان سعودی صاحب بیشترین خانواده های ثروتمند در سراسر جهان است؛ ولی در عین حال، بیست درصد جمعیت آن زیر خط فقر زنده گی میکنند. ثروت خالص خاندان سلطنتی عربستان سعودی، یک اعشاریه چهار تریلیون دالراست و هزاران شاهزاده از جلال و شکوه ناشی از عضویت در ثروتمند ترین خانواده کشور بهره می برند. با این همه، بسیاری از مردم عادی عربستان به زحمت و در حاشیه جامعه گذران میکنند... سن بیش از دو سوم جمعیت عربستان زیر سی سال است و تقریباً سه چهارم تمام بیکاران کشور بین بیست تا سی ساله هستند. بسیاری از آنها تحصیلات دانشگاهی دارند و امید دارند که مشاغل دایم دولتی پیدا کنند؛ اما به مرور، تعداد فرصت های شغلی کاهش می یابد و افرادی که با ساختار دولتی روابط فامیلی نزدیک تری دارند، شانس بیشتری برای پیدا کردن کار دارند... خشم مردم از فساد مالی و اداری رو به افزایش است و شکاف بین دارا و ندار، به یک بمب ساعتی بدل شده که هر لحظه ممکن است منفجر شود و تنش های نهفته در جامعه را آشکار کند."

(در مورد مقاصد استعمار مبنی بر ایجاد فرقه و هابی در عربستان سعودی و حزب صهیونیسم در سرزمین های فلسطین، بعداً توضیحاتی ارائه خواهیم نمود)

(ادامه دارد)